

شنبه ۱۶-۱۰-۹۶ (جلسه ۲۸۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله على محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم على أعدائهم أجمعين من الآن إلى قيام يوم الدين اللهم كن لوليک الحجّة بن الحسن صلواتک علیه وعلى آبائه فى هذه الساعة وفى کلّ ساعة وليّاً وحافظاً وقائداً وناصراً ودليلاً وعيناً حتى تسکنه أرضک طوعاً وتمتّعه فيها طويلاً.

اللهم العن أوّل ظالم ظلم حقّ محمّد وآل محمّد وآخر تابع له على ذلك اللهم العن العصاة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على قتله اللهم العنهم جميعاً.

السلام عليك يا أبا عبد الله وعلى الارواح التي حلت بفنائك عليك منى سلام الله أبدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منى لزيارتكم، السلام على الحسين وعلى عليّ بن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين.

اللهم خصّ أنت أوّل ظالم باللعن منى وابدء به أوّلا ثم العن الثانی والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد وبين مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل أبى سفیان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة.

استحقاق عقاب و ثواب بر امر غيرى

كلام مرحوم آخوند ره

كلام آخوند ره مشتمل بر سه نکته است:

۱- مخالفت و موافقت امر غيرى، استحقاق عقاب و ثواب نمى آورد چون ثواب و عقاب از تبعات قرب و بعد است. يعنى آن عملی که قرب به مولى بياورد ثواب دارد و آن عملی که بعد بياورد عقاب

دارد. و موافقت امر غیري و مخالفت امر غیري موجب قرب و بعد نیست بنابراین استحقاق ثواب و عقاب نمی آورد.

۲- مرحوم آخوند ره به عنوان شاهد بر این مطلب می فرماید اگر بگوییم موافقت امر غیري ثواب دارد و مخالفت امر غیري عقاب دارد لازمه اش این است که مکلفی که مامور به نفسی را انجام می دهد در حالیکه ده مقدمه دارد، یازده ثواب باید داشته باشد و اگر ترک می کند باید یازده عقاب داشته باشد و حال آن که شبهه ای نیست که این شخص تنها یک ثواب و یک عقاب دارد.

۳- اگر کسی امر غیري را امتثال کرد بر امر غیري ثواب داده نمی شود ولی شروع در امتثال امر غیري از باب این که خودش شروع در امتثال امر نفسی است موجب ثواب می شود منتها ثواب بر امر نفسی نه امر غیري و اگر مقدمات این امر نفسی بیشتر باشد موجب ازدیاد ثواب امر نفسی می شود چون می شود افضل الاعمال احمزها. و همچنین اگر مخالفت کرد از حینی که ترک مقدمه می کند مستحق عقاب است منتها نه بر ترک مامور به غیري بلکه بر ترک مامور به نفسی.

اشکال محقق ایروانی بر نکته ی اولی:

ثواب، مترتب بر قصد امتثال و قصد قربت است و عقاب، مترتب بر تعمد بر عصیان و مخالفت است نه قرب و بعد معنوی^۱ و این قصد امتثال و تعمد بر عصیان حتی در صورت انقیاد و تجری که در موردشان امر و نهی وجود ندارد ممکن است چه برسد به امر غیري.

^۱ بنابراین در نظر محقق ایروانی چنین نیست که ثواب و عقاب مترتب بر قرب و بعدی که مترتب بر موافقت و مخالفت امر است باشد بلکه ثواب و عقاب مترتب بر خود موافقت و مخالفت امر است و در عرض قرب و بعد می باشد.

ان قلت: به فرض که این کبری را بپذیریم ولی امر غیر صغرای این کبری نیست زیرا در امر غیر امکان قصد امتثال وجود ندارد.

قلت: در جائی که امری نمی تواند داعویت داشته باشد و قصد امتثال آن ممکن نباشد، جعلش لغو و عبث است زیرا حکمت جعل و امر این است که داعی شود تا عبد آن را انجام دهد لذا فرموده اند غرض خداوند از اوامر و نواهی این است که اسباب قرب عباد به خودش را فراهم نماید. بنابراین لبّ فرمایش آخوند ره این است که امر غیر داعویت ندارد و حال آنکه اگر امر غیر داعویت نداشته باشد، جعلش لغو است.

تذکر: مرحوم ایروانی در ضمن فرمایشش می فرماید « فلان القرب و البعد المعنویین علی إشکال فی معناهما » ولی معلوم نیست که اشکال ایشان در معنای قرب و بعد معنوی چیست؟ زیرا معنای آن واضح است و قرب، به معنای محبوبیت و رضای خداوند و بعد، به معنای مبغوضیت و سخط خداوند می باشد.

کلام محقق اصفهانی در تایید آخوند ره

محقق اصفهانی کلام مرحوم آخوند را قبول فرموده و چنین تقریب می کند که قرب و بعد در امر غیر معنا ندارد زیرا قرب نسبت به آن چیزی معنا دارد که مولی نسبت به آن غرض داشته باشد و بعد در جایی معنا دارد که تفویت غرض مولی صورت پذیرد و اوامر غیریه متعلق غرض مولی نیستند الا تبعا و همانطور که مولی ناگزیر است نسبت به امر به مقدمه (بنابر وجوب آن) و نمی تواند امر به آن نکند به خاطر ملازمه ای که بین امر به ذی المقدمه و امر به مقدمه هست، فکذلک وقتی مولی اراده دارد ذی المقدمه را نمی تواند اراده ی مقدمه نداشته باشد. اما مراد واقعی او همان ذی المقدمه است و مقدمه، مراد بالعرض اوست و نیز اگر عبد اراده دارد ذی المقدمه را، اراده دارد مقدمه را و نمی تواند اراده کند

ذی المقدمه را بدون اراده ی مقدمه پس مقدمه مراد عبد است اما بالعرض و همینطور انقیاد او نسبت به مقدمه، انقیاد است بالعرض.

بنابراین درست است که ثواب و عقاب و قرب و بعد مترتب است بر قصد قربت و عصیان، و درست است که امر در جایی معنا دارد که بتواند داعویت داشته باشد و به قول محقق ایروانی «در جایی که نشود قصد امتثال کرد کشف می شود که امری نیز وجود ندارد زیرا ملازمه ی بین امر و بین داعویت و قصد امتثال آن اوضح است از ملازمه ی بین وجوب ذی المقدمه و وجوب مقدمه» اما تمام اینها در جایی است که مولی تمکن از امر نکردن داشته باشد. اما اگر مولی چاره ای جز امر کردن ندارد چنین استکشافی وجود ندارد.

بلکه حتی می گوئیم امر، داعویتی ندارد زیرا امر، غیر از اعتبار، چیزی نیست و آنچه که داعویت می آورد، یکی از این سه چیز است: یا خوف عقاب است و یا رغبت در تحصیل ثواب است و یا رغبت در تحصیل مرضیات خداوند متعال است و به فرمایش مولانا امیر المومنین علیه السلام «وَقَالَ عِزُّ اللَّهِ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»^۲ و این سه چیز فقط در جایی معنا دارد که غرض مولی وجود داشته باشد و در مقدمه، غرضی وجود ندارد و اگر مولی به آن امر کرده از باب ناچاری است.

اشکال بر کلام مرحوم آخوند

ولکن یک اشکال به مرحوم آخوند هست و آن این است که اگر اعطاء ثواب را به تفضل دانستیم و گفتیم که مولی می تواند حتی به عاصی تفصل نموده و به او ثواب بدهد، به کسی که اتیان مقدمه کرده نیز ممکن است تفضل نماید و به او به خاطر اتیان مقدمه، ثواب بدهد.

^۲ نهج البلاغة (للصباحی صالح)، ص: ۵۱۰

ممکن است ادعا شود که اعطاء ثواب اگر چه که به تفضل است ولی آیات و روایاتی که بر اعطاء ثواب دلالت دارد، مقدمه را شامل نمی شود.

مرحوم ایروانی می فرماید ادله ای مثل « مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا » به اطلاقها دلالت بر اعطاء ثواب بر مقدمه می کند زیرا بدون شک مقدمه ی واجب، حسنه است.

ولی اطلاق حسنة بر مقدمه محل تأمل است زیرا اگر زنی چادر بر سر کند و مقابل قبله بایستد بدون این که نماز بخواند، کسی نمی گوید که کار حسنة انجام داده.